زوج مکانیک و رؤیاهای بزرگ‌شان برای آینده

نان، عشق، گیربکس

یوسف حیدری
گزارش نویس

«این ماشین را می‌بینی؟ فرار روغن باعث شده موتورش آتش بگیرد. حالا هم چند روز است که اینجا افتاده تا پیستونش تراش بخورد. قطعات هم گران شده و صاحب ماشین تا حالا نتوانسته تهیه کند. عیب این یکی هم رادیاتور است. دیروز مشکل را پیدا کردم ولی سرسیلندرش قبلاً تعمیر شده و ممکن است باعث از بین رفتن واشر سرسیلندر شود. رادیاتور هم خیلی گران شده، ما هم باید مشتری را درک کنیم. به همین خاطر سعی می‌کنیم همین رادیاتور را تعمیر کنیم.»

بهاره جوادی از عیب و ایراد ماشین‌ها و نحوه تعمیر تخصصی آنها می‌گوید و اصطلاحاتی که تا قبل از این فقط از مکانیک‌های مرد شنیده بودم: «این ماشین باید چند روز بخوابد، نفس اش درنمی‌آید، خفه است. گیربکسش باید بیاد پایین ببینم ایرادش کجاست.»

خیابان دماوند را که به طرف شرق بروی و از مغازه‌ها سراغ زوج مکانیک را بگیری، یکی از گاراژهای قدیمی خیابان را نشانت می‌دهند. وارد که شوی، همان اول کار متوجه تفاوت این مغازه با دیگر مغازه‌های گاراژ می‌شوی. باغچه کوچک انتهای مغازه و زن و مرد جوانی که مشغول باز کردن رادیاتور هستند. بهاره سرش را توی موتور کرده و پیچ‌های رادیاتور را باز می‌کند. امید هم با کندن لوله آن را بیرون می‌کشد. حلقه‌های ازدواج‌شان هم یک آچاراست. بهاره ۲۶ سال دارد و ۶ سالی است با همسرش مکانیکی می‌کند. از بلال فروشی و جگرکی شروع کرده‌اند و حالا برای خودشان در شرق تهران مکانیکی خوشنامی راه انداخته‌اند. بهاره می‌گوید «اوستا»یش امید است و او هم افتخار شاگردی‌اش را دارد. اما با این حال هنوز هم مشتری‌هایی هستند که ترجیح می‌دهند ماشین‌شان را بهاره تعمیر کند: «مکانیکی مثل پزشکی است. وقتی ماشین به تعمیرگاه می‌آید یعنی حالش خوب نیست و ما به‌عنوان پزشکان خودرو باید علت را پیدا کنیم و درستش کنیم. همیشه به‌چشم بیمار به ماشین نگاه می‌کنم. روشن نمی‌شود؟ معاینه‌اش می‌کنم و با پیدا کردن علت وقتی با یک استارت روشن می‌شود، کیف می‌کنم. این لحظه برای من خیلی شیرین است. ما اینجا به‌شکل تخصصی روی ماشین‌های کره‌ای، ژاپنی و چینی کار می‌کنیم. من خودم عاشق تعمیر موتور و گیربکس هستم.»

بهاره از روزهایی می‌گوید که مسیر زندگی‌اش تغییر کرد. عاشق انجام کارهای خاص است و سختی‌های زیادی هم در زندگی پشت سر گذاشته. می‌گوید عاشق دنیای آچار، گیربکس و روغن شده: «سال ۹۴ با امید ازدواج کردم و مسیر زندگی‌ام عوض شد. همه چیز از روزی شروع شد که می‌خواستم کاری انجام دهم که شاید از خیلی‌ها برنمی‌آید. امید مکانیک بود اما مغازه نداشتیم، برای همین با مکانیکی سیار شروع کردیم. در اینترنت آگهی می‌دادیم و با هر تماس سوار بر موتور برای تعمیر می‌رفتیم. مکانیکی با قطعات ریز و درشت سر و کار دارد، مثل بدن انسان است و این پیچیدگی همیشه ما را سر شوق می‌آورد.

وقتی برای تعمیر ماشین می‌رفتیم، کنار موتور می‌ماندم تا امید مشغول تعمیر شود. برای خیلی‌ها عجیب بود که چرا یک مکانیک همسرش را هم همراه می‌آورد. همیشه دوست داشتم کنارش باشم اما امید مخالفت می‌کرد. به هرحال مکانیکی یک محیط مردانه است. بعد از مدتی با شراکت یک نفر مغازه مکانیکی راه انداخت. کنارش من هم یاد گرفتم و هر روز به بهانه‌ای آنجا می‌رفتم و کمک می‌کردم. آن قدر تلاش کردم تا خودم را به اوستا امید ثابت کردم. در کنار کار در کلاس‌های این حرفه هم شرکت کردم و مدرک بین‌المللی گرفتم. با امید زبان انگلیسی می‌خوانیم تا اطلاعات‌مان درباره ماشین‌های خارجی به روز باشد و بتوانیم عیب آنها را پیدا کنیم.»

برخورد مردم هم وقتی در مکانیکی با یک خانم مواجه می‌شوند جالب است: «بعضی اوقات با دیدن من سراغ اوستا را می‌گیرند و تصور نمی‌کنند من هم مکانیک باشم. چند بار می‌پرسم مشکل ماشین چیست، اما اصرار می‌کنند خود اوستا ماشین را ببینند. اگر هم چرخ ماشین را جا بزنم آخر سر به همسرم می‌گویند نگاهی بنداز ببین لاستیک محکم شده؟ البته مشتری‌هایی هم هستند که ما را می‌شناسند و هرجا باشند ماشین‌شان را برای تعمیر و بازدید دوره‌ای اینجا می‌آورند. الان به جایی رسیده‌ایم که امید مشتری‌های خودش را دارد و من هم مشتری‌های خودم را. بعضی‌ها هم می‌گویند دمت گرم که کنار شوهرت هستی و کار می‌کنی.»

امید روزهای اول مخالف سفت و سخت کار همسرش در مکانیکی بود اما وقتی علاقه و پشتکارش را دید قبول کرد.

می‌گوید حالا یک دستیار حرفه‌ای دارد که هم در کار خانه اوستاست هم در مکانیکی. امید آقایی زندگی را مثل موتور ماشینی می‌داند که همه اجزای آن باید باهم کار کنند تا ماشین به حرکت دربیاید: «۱۲ سالی است مکانیکی می‌کنم. یک اتفاق باعث شد تا وارد این حرفه شوم و هر روز هم علاقه‌ام بیشتر شد. وقتی با همسرم ازدواج کردم متوجه شدم مکانیکی را دوست دارد. قبل از اینکه برای خودم مغازه بزنم کنار خیابان بساط می‌کردم و بلال و جگر می‌فروختم. زندگی خرج دارد. تا ۷ شب مکانیکی کار می‌کردم و بعد از آن با همسرم کنار خیابان بساط می‌کردیم و شب هم مسافرکشی. روزهای اول مخالف کار همسرم توی مکانیکی بودم. به هرحال محیط اینجا مردانه است اما وقتی علاقه‌اش را دیدم، موافقت کردم. استعداد خوبی دارد. خیلی زود کار را یاد گرفت. اوایل خیلی از مشتری‌ها از اینکه یک خانم شاگردم بود تعجب می‌کردند. گاهی هم نصیحت می‌کردند چرا اجازه می‌دهی همسرت اینجا کار کند؟ می‌گفتند شاید هم می‌خواهی جلب توجه کنی. همه این مدت سعی کردیم به این حرف‌ها توجه نکنیم. بهاره شاگرد خیلی خوبی است و در کنار مکانیکی و تمیز کردن مغازه، وظایف مادری و همسری را هم به خوبی انجام می‌دهد. آخر از همه هم دستمزد می‌گیرد.»

کرونا در کار آنها هم بی‌تأثیر نبوده چون حالا خیلی‌ها ترجیح می‌دهند دیگر با اولین ایراد سراغ مکانیکی نروند: «کرونا در کار ما هم اثر داشته. الان یک ماهی هست که کار نداریم. این دو تا ماشین را که می‌بینی خیلی وقت است اینجا خوابیده. قطعات خیلی گران شده و سیلندر این ماشین دو هفته است که تراشکاری مانده و صاحب ماشین هم پول ندارد لوازم یدکی بخرد.»

اینکه در کنار ۹ ساعت کار مکانیکی بتوانی وظیفه مادری را هم انجام دهی خیلی سخت است اما وقتی هدف داشته باشی می‌توانی. بهاره در کنار مکانیکی و رسیدگی به دخترش گندم هنوز از هدف‌های بزرگ زندگی‌اش دست برنداشته: «بیشتر ساعت روز را سر کار هستم و دوست دارم فضای مکانیکی را طوری درست کنم که با روحیه من و امید سازگاری داشته باشد. با گلکاری در قسمتی از مغازه یک باغچه کوچک برای خودمان درست کرده‌ایم. همین فضای سبز کوچک در روحیه ما اثر مثبت زیادی دارد. مشتری هم گاهی اوقات مجبور می‌شود چند ساعتی را منتظر بماند و از بودن در این فضا خسته نمی‌شود. در این ۲ سال و هفت ماهی هم که گندم وارد زندگی ما شد سعی کردم برای او کم نگذارم. بعد از پایان کار در مکانیکی کار دوم در خانه شروع می‌شود. هر وقت هم خسته می‌شوم به هدفی که دارم فکر می‌کنم. بزرگ‌ترین هدف زندگی‌ام قرار گرفتن در میان ۱۰۰ زن برتر دنیا است.

دورنمای ما در این حرفه یک تعمیرگاه بزرگ است که پرسنل آن کسانی هستند که از زندان آزاد شده و جایی برای کار ندارند و به‌دلیل سوء سابقه سخت می‌توانند کار پیدا کنند. از فضای مجازی هم برای پیشرفت در کارمان استفاده می‌کنیم. خیلی از مردم در فضای مجازی ما را به‌عنوان زوج مکانیک می‌شناسند. من معتقدم ما زنان در مکانیکی می‌توانیم موفق‌تر از مردان باشیم چون دقت بالایی داریم و منظم‌تر هستیم. در این حرفه دقت و نظم حرف اول را می‌زند.»

> بهاره ۶ سالی است با همسرش مکانیکی می‌کند. از بلال فروشی و جگرکی شروع کرده‌اند و حالا برای خودشان در شرق تهران مکانیکی خوشنامی راه انداخته‌اند. بهاره می‌گوید «اوستا»یش امید است و او هم افتخار شاگردی‌اش را دارد. اما با این حال هنوز هم مشتری‌هایی هستند که ترجیح می‌دهند ماشین‌شان را بهاره تعمیر کند

سجاد صفری/ ایران

جــــدول سـودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

۳۶۵۶

آسان

	۷				۱			۵
۵	۳				۶	۹		۲
۲	۶	۹		۸	۵			
		۴						۷
۱	۵	۷				۳	۲	۸
۶						۴		
			۴	۲		۷	۹	۶
۹		۶	۵				۴	۱
۷			۶				۵	

متوسط

۹	۳			۴	۸			
۷		۴			۵			
					۲	۳		۴
	۵	۸						
	۷	۳				۸	۹	
						۷	۴	
۳		۶	۲					
			۴			۱		۸
			۸	۹			۷	۶

سخت

	۷	۱					۶	
	۴			۸	۲			۹
۳				۴				
			۳					
۱		۶		۷		۸		۵
					۵			
				۹				۶
۴			۲	۵			۸	
	۳					۲	۱	

خیلی سخت

	۸			۶				۱
۷							۴	
۶	۹		۵	۲				
	۳					۲	۹	
			۱		۹			
	۷	۶					۱	
				۷	۸		۶	۵
	۶							۷
۴				۵			۸	

حل جدول سودوکو شماره ۳۶۵۶

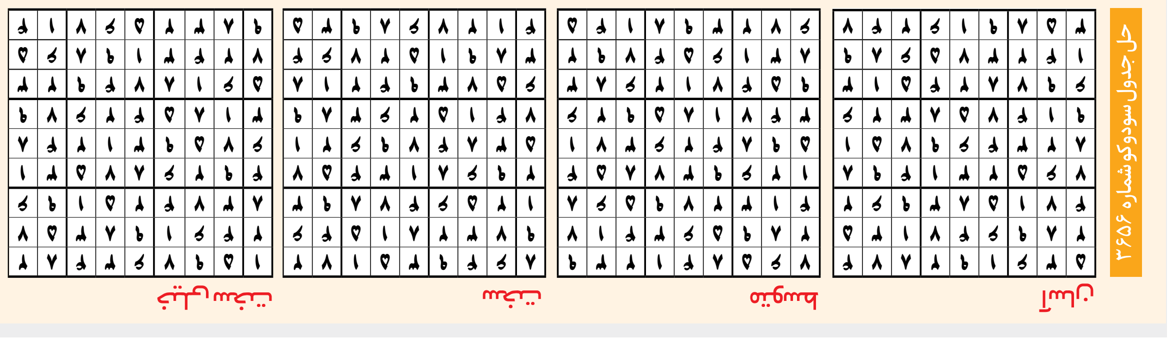

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۷۶۲۲

جدول عادی

افقی:

۱- دومین کشور پرجمعیت قاره آفریقا- کمک پرستار- مخفف خوب
۲- خشنودی- سلاح جنگی ورزشی!- کار بی‌تأمل
۳- موافق- قلعه تاریخی اسماعیلیان- گذرگاه
۴- مراسم بزرگداشت- کشور فیل‌ها
۵- اینجانب!- کلام ضرورت- سخن زشت
۶- منحصر به فرد- ترعه، تنگه- اسم ترکی
۷- شرکت اتومبیل‌سازی کره جنوبی- مرکز «کهگیلویه و بویراحمد»- موشواره
۸- درختی با برگ‌های پنجه‌ای- سازش و مسالمت- فرومایه
۹- ایالتی در امریکا- شهر دیدنی «اصفهان»- پول قدیم ایتالیا
۱۰- برهنه- طمعکار- سمی‌ترین گیاه جهان
۱۱- ضد «پیاده»- نوعی قطع کتاب- کلمه شگفتی
۱۲- مافوق- دقیق
۱۳- پرتاب کردن- علم جادوگری- گلی زیبا و رنگارنگ
۱۴- بی‌حرکت و ساکن- هویدا- جانور کوچک انگلی
۱۵- ضربه به سر- نام دخترانه- بی‌آبرویی و افتضاح

عمودی:

۱- تصدیق بی‌ادب- سنگ طلق- آماده و مجهز
۲- راهی برای جلوگیری از خطا و اشکالات احتمالی پیش آمده در هنگام تحویل محصولات یا ارائه خدمات به مشتری- اسم رمز موفقیت
۳- توانایی- شفابخش است اگر خدا بخواهد- نرم، روان
۴- چند ادیب- پایتخت سیاسی «کانادا»- دمای غیر عادی بدن
۵- ندامت- اتوبان
۶- خدای اقیانوس‌ها- صنعتی در شعر- ممنونم
۷- بخت- متداول‌ترین شکل طراحی بدنه خودرو- چسباندنی روی بسته پستی
۸- همکار «کلنگ»- هم‌اکنون رئیس این فدراسیون «سیدمحمد پولادگر» است- رفیق مشهدی
۹- الهه تجارت- روان کردن- دهانه
۱۰- آرنج- بایگانی- قوم کم حرف
۱۱- استقامت و استواری- خبره و متخصص
۱۲- ترمز چهارپا- شهری در استان «آذربایجان شرقی»- بی‌فامیل
۱۳- وسیله تقویت شنوایی- استاد ارسابق- پشتگرمی
۱۴- میوه درخت نخل- جنون جوانی
۱۵- شهری در استان «خراسان جنوبی»- مایع ترشی- بازداشتن از انجام کار ناشایست

جدول ویژه

افقی:

۱- غدار و بی‌وفا- خسیس یا ناسپاس- دوش
۲- از الفبای فارسی- ماه چهارم میلادی- نام «کمال» ادیب ترکیه
۳- ملاقات کردن- به کار زشتی وا داشتن- درنده جنگلی
۴- بزرگ‌ترین پل کابلی کشورمان- نوعی قایق
۵- بیابان- دارویی گیاهی که مدتی برای ایدز تجویز شد- خانه ییلاقی
۶- بی‌ریایی و سادگی- کشور «آتن»- خوب
۷- سرپرست- شهر مقدس برهمائیان- درخشان
۸- وجود- همسایه «ارمنستان»- آبریزش و گرفتگی بینی
۹- میسر- مداوا- خاکروبه
۱۰- کلمه‌ای به نشانه حیرت- رها- مرداب
۱۱- حراف- گوهر بی‌همتا- بیماری ریه
۱۲- پرنده‌ای کوچک و بسیار کنجکاو- کارآموز
۱۳- رودی که به سن می‌ریزد- برطرف کردن زنگ شمشیر- شهری در «لبنان»
۱۴- ناگهان- کارمند- حیله
۱۵- شما به انگلیسی- گاری- راندمان

عمودی:

۱- ساز خوشبو!- مقابل دوشیزه- گیاهی از تیره شب بوها
۲- بالا بودن غلظت سرمی کلسیم در خون- نخ نورد آسانسور صفت
۳- مردد- آهنگ موزون- نوعی محصول کشاورزی
۴- زبانه آتش- نوعی بلیت- بازعامیانه!
۵- دریای عجایب!- از آثار دیدنی «کازرون»
۶- بی‌سابقه- محصولی صنعتی و غیر طبیعی- با «زد» آید
۷- یک نوع چاشنی- زبان مردم «پاکستان»- جهتی که پرز یا پشم در آن به آسانی روی هم افتد
۸- عشیره- آهنگ «حمید هیراد»- رمان‌نویس فرانسوی
۹- تعدادی ساختمان کنار هم- جمیل- بازی ایرانی
۱۰- بیماری ژنتیکی- مارکی بر تابلوی تخته سیاه- پوست کنده
۱۱- پایتخت «لائوس»- کشور آفریقایی
۱۲- نشان مفعول- نام خانم «شاکردوست» بازیگر- راه یافتن
۱۳- دختر خالدار- مخلص- یواش یواش
۱۴- سمت مشرق- ادیب ایرلندی و یکی از نویسندگان کلاسیک سبک وحشت
۱۵- محترم- ظرف کباب‌پزی- زودشکن

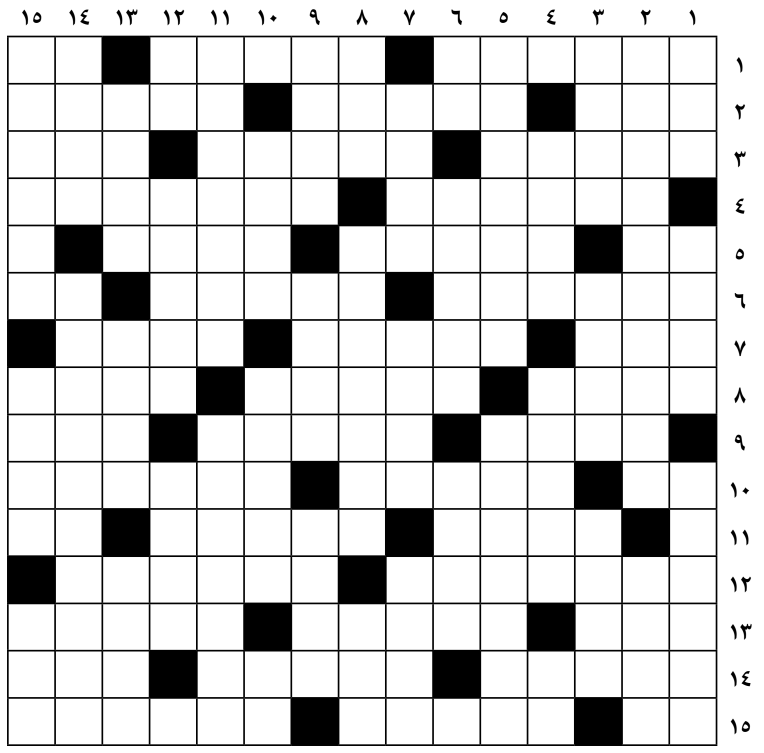

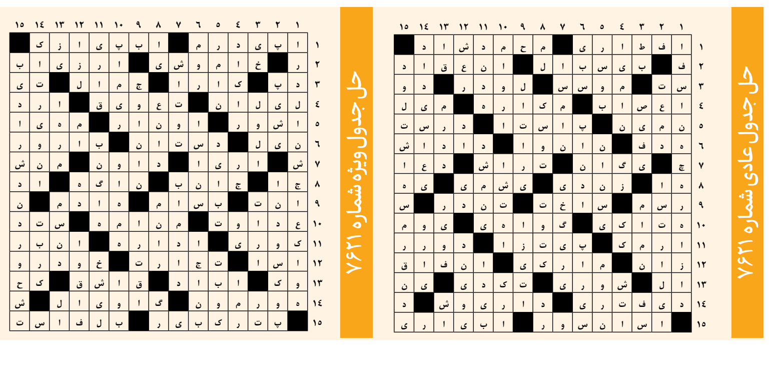
حل جدول عادی شماره ۷۶۲۱
حل جدول ویژه شماره ۷۶۲۱